

پژوهشنامه‌ی ادب غنایی
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره‌ی هیجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱
(صص: ۱۸۴-۱۶۷)

جلوه‌های رمانتیسم در شعر مقاومت سیدحسن حسینی

دکتر فاطمه معین‌الدینی*
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور کرمان

چکیده

سیدحسن حسینی یکی از شاعران بسیار توانای معاصر است که بخش عمده‌ای از اشعار خود را به توصیف دلاوری‌های مردانه‌ی فرزندان این سرزمین در عرصه‌ی پایداری و مقاومت اختصاص داده است. بر غالب این اشعار اصول حاکم بر مکتب رمانتیسم حاکم است؛ اما حسینی در سایه‌ی اعتقادات مذهبی، آرمان‌های انقلابی و تعهدات اجتماعی خویش، اندیشه‌ها و مضامین رمانتیکی را تعالی بخشیده و درونمایه‌هایی بر آن‌ها افزوده است که همگی در خدمت به تصویر کشیدن خون و شرف و نبرد جاودانه‌ی حق و باطل می‌باشند. حسینی رمانتیسمی انتقادی - اجتماعی دارد. وی از بسیاری از مظاهر زندگی مدرن انتقاد می‌کند و معتقد است که عشق، انسانیت، پاک‌ی، سادگی و حقیقت‌زندگی در این عصر گم شده است. این مقاله به روش تحلیل محتوا به بررسی جلوه‌های این مکتب ادبی در شعر شاعر می‌پردازد.

*Email: f_moinoddini@mouil.uk.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۲

واژگان کلیدی: رمانتیسزم، سیدحسن حسینی، ادبیات پایداری، آرمان گرایی، عشق، یادکرد مرگ، طبیعت.

مقدمه

نگاه هنرمندانه و شاعرانه به دنیای درون و برون با نگاه عادی متفاوت است. در پرتو این نگاه، هستی صاحب حیاتی لایتناهی می شود و احساس و شور و حال از تمام مظاهر طبیعت فوران می کند و خود را نمایان می سازد. آثاری که رنگ و بوی رمانتیک دارند، برخاسته از احساس عمیق و تلطیف شده ی شاعر هستند. پیروان رمانتیسزم معتقدند که این مکتب ادبی "زمینه ی آزادی خلّاق ذهنی و روحی بشر را فراهم می سازد" (میرصادقی، بی تا، ۲۹۴) و بدین طریق او را یاری می کند که با نیروی خلّاقه ی تخیل خود، به بیان شورانگیز و آرمان گرایانه ی درونمایه هایی دست یابد که برای بشر در تمام دوره های زندگی اش، مهم و مفید بوده است.

مکتب رمانتیک، مکتب بسیار پیچیده ای است و تعیین ویژگی ها، اصول و موضوعات آن به شکل دقیق به راحتی امکان پذیر نیست. کلمه ی رمانتیک از قرن هفدهم در انگلستان در مورد تعبیرات شاعرانه به کار می رفت. پس از آنکه در سال ۱۶۷۶ به زبان فرانسه وارد شد، تا مدّت ها به معنای خیال انگیز و افسانه ای به کار برده می شد. از اواخر قرن هجدهم، نویسندگان و شاعران مکتب کلاسیک این کلمه را برای مسخره کردن طرفداران رمانتیسزم به کار می بردند و نویسندگان جدید این کلمه را بر خود پذیرفتند (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۱۶۰) از آن زمان تا کنون حدود یازده هزار تعریف و معنی برای اصطلاح «رمانتیک» ارائه شده است که موجب دشواری در ارائه تعریفی جامع و دقیق برای این واژه می شود (داد، ۱۳۷۱: ۱۴۷) دکتر زرین کوب می گوید: «ادبیات رمانتیک به عکس کلاسیک که بیشتر به عقل تکیه دارد، متکی به شور، ذوق، احساس و تخیل است. اساس بینش و ادراک رمانتیک، عنصر شخصی و فردی است.» (زرین کوب، ۱۳۶۹، ج ۲، ۴۵۴). هانریش هاینه بیان می کند که هنر کلاسیک محدود و متناهی را

تصویر می کند؛ هنر رمانتیک نامحدود و لایتناهی را در نظر دارد. (فورست، ۱۳۷۵: ۱۰) تلازم مکتب رمانتیک با بیان احساسات سبب شده که وردزورث (William Verds Wers) شعر را «جوشش خودانگیخته ی احساسات پرتوان» معرفی کند (شپرد، ۱۳۷۵: ۳۵). به اعتقاد رمانتیک ها کار هنر، فرآینمی عاطفه است (شپرد، ۱۳۷۵: ۳۵) ایلیا حاوی در کتاب ارزشمند "الرمانسیه: فی الشعرالغربی و العربی" بیان می کند که ادبیات رمانتیک موضوعات مشخص و محدودی ندارد. این مکتب، مکتب ابتکار و خلاقیت است و بر آزادی تعبیر و پرداختن به عشق، عاطفه و احساس تأکید دارد. با این حال موضوعات مهم آن عبارتند از: «طبیعت، عشق، حزن و اندوه، مرگ، غربت و تنهایی» (الحاوی، ۱۹۹۸: ۲۰۷) ادبیات فارسی پیش از ظهور مکتب رمانتیسیم بسیاری از اصول آن را مبنای آفرینش های ادبی خود قرار داده بود، لذا به دنبال ظهور این مکتب در غرب، ادبیات فارسی که خود زمینه های قرابت فراوانی با آن داشت، از آن تأثیر پذیرفت. به عبارتی دیگر: «به نظر می رسد که مکتب رمانتیسیم از مکتب های مهم ادب غربی است که بیشتر از دیگر مکاتب در ادب فارسی تأثیر گذار بوده است، و در این میان، مکتب رمانتیسیم فرانسه تأثیر زیادی بر رمانتیسیم فارسی نهاده است» (جعفری جزی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

ادبیات دفاع مقدس و پایداری مردم ایران از ویژگی های مثبت مکتب رمانتیک در به تصویر کشیدن گوشه ای از موضوعات خود بهره ی فراوان برده است. در این مقاله به بررسی بازتاب ویژگی های مکتب رمانتیک در اشعار سید حسن حسینی پرداخته ، و برای رسیدن به این منظور از روش تحلیل محتوا از نوع کیفی استفاده می شود.

۲- سید حسن حسینی و ادبیات مقاومت

مقاومت و پایداری درونمایه ی جاودانه و همیشگی ادبیات فارسی است. هیچ یک از دوره ها و گونه های ادبی فارسی را نمی توان یافت که از پایداری و مقاومت تهی باشد. گویا این ویژگی از ذاتیات روحی هنرمندان و شاعران ایرانی است. با توجه به همین نکته است که گفته اند: «ادبیات مقاومت حوزه ای به گستره ی جنگ و دفاع در جامعه ی انسانی دارد و در میان مردم جهان دارای مشترکاتی است. در این گونه ی ادبی، احساسات، صادقانه ترین شکل را

دارند. تزویر و تلبیس در آن جایی ندارد؛ حماسه و تغزل در آن آمیخته به هم بروز می‌کنند، و عاطفه سرشارترین لحظات را در این نوع شعر تجربه می‌کند. پاسداشت انسان و تکریم مکارم اخلاق از اصلی‌ترین موضوعات این نوع ادبی است.» (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۸؛ امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۳۸۸) ادبیات پایداری را می‌توان از چشم اندازهای مختلف و با توجه به ملاک‌های گوناگون بررسی و تحلیل کرد. اما با این حال «شعر پایداری جدا از دلالت‌های موضوعی از منظر فلسفه و علوم نظری، به شعری اطلاق می‌شود که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است. بدون شک نام این رویداد عظیم، جنگ است؛ اما جنگ، تنها بستر شعر پایداری نیست. به بیانی دیگر واقعیت این است که موضوعات پایداری و مفاهیم شعر مقاومت دلالت‌های عام در زندگی بشر دارد و دوره‌های خاصی از نزاع انسان با طبیعت»، «حکومت» و «بیگانه» را شامل می‌شود» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹۴۰) ادبیات پایداری نوعی ادبیات متعهد و ملتزم است که متعهدانه درگیر خواسته‌های جمعی و ملی می‌شود و از ادبیات به عنوان سلاحی در راستای پیشبرد مطالبات ملی و جمعی بهره می‌جوید. از این رو گفته‌اند: «ادبیات مقاومت نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آن چه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) در عرصه‌ی ادبیات پایداری شاعران و هنرمندان متعددی به آفرینش آثار ارزشمند اقدام کرده‌اند. یکی از این شاعران «دکتر سید حسن حسینی» است. وی در سال ۱۳۳۵ در محله‌ی سلسبیل تهران به دنیا آمد. ابتدا در رشته‌ی تغذیه در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تحصیل شد. سپس برای سیراب ساختن روح تشنه‌ی خود به ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی روی آورد. با زبان‌های عربی، ترکی و انگلیسی آشنایی داشت. از سال ۱۳۵۲ به سرودن شعر روی آورد و جنبه‌هایی از عظمت روح انقلابی خود را در اشعارش به نمایش گذاشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به همراهی استاد محمدرضا حکیمی و آقایان رستم فرد، تهرانی و آیت الله امامی کاشانی حوزه‌ی هنر و اندیشه اسلامی را

راه اندازی کرد؛ سپس در سال ۱۳۶۶ از آن جدا شد و به تدریس در دانشگاه های الزهرا و آزاد اسلامی روی آورد. از سال ۱۳۷۸ تا پایان عمر در واحد ویرایش رادیو حضور داشت. حوزه ی فعالیت وی شامل شعر، تحقیق و ترجمه است. در سال های آخر عمر به سبک شناسی قرآن کریم و حافظ مشغول شد. دکتر سید حسن حسینی در نهم فروردین ۱۳۸۳ در اثر سکته ی قلبی چشم از جهان فرو بست. اولین مجموعه ی شعری او با عنوان «همصدا با حلق اسماعیل» در سال ۱۳۶۳ انتشار یافت که در شمار اولین کتاب های ادبی منتشر شده ی ادبیات انقلاب اسلامی است و «گنجشک و جبرئیل» مجموعه ی شعرهای سپید و عاشورایی اوست که در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. حسینی وصیت کرده بود نسخه ای از این کتاب را در کفن او بگذارند. بسیاری از منتقدین این کتاب را حادثه ای در ادبیات دینی می دانند. «نوشداروی طرح ژنریک» پس از وفات شاعر منتشر شد. قیصر امین پور مجموعه ای از شعرهای سپید و آزاد او را با عنوان «در ملکوت سکوت» و «از شرابه های روسری مادرم» در سال ۱۳۸۵ منتشر ساخت. به علاوه «سفرنامه ی گرد باد» آخرین کتاب شعر اوست که شامل غزل ها، مثنوی ها، رباعی ها و ترانه های او می شود و به همت قیصر امین پور در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است. (نادمی، ۱۳۸۷).

درباره ی سید حسن حسینی همگان اتفاق نظر دارند که وی شاعری است آگاه، متعهد و شعرهایش یکی از بهترین و دلنشین ترین شعرهای دفاع مقدس و یکی از زیباترین نمونه های تلاش شاعران انقلاب در به تصویر کشیدن خون و شرف، عشق و حماسه و ایمان و اعتقاد رزمندگان جبهه های حق و عدالت است (تراپی، ۱۳۸۴، ۶۳).

۳- رمانتیسیم در شعر سید حسن حسینی

در نخستین مجموعه شعری وی، «همصدا با حلق اسماعیل» با دو بخش رو به رو می شویم: بخش اول «سروده های سحرزاد» هستند که بعد از انقلاب سروده شده اند. رمانتیسیم این اشعار، رمانتیسیمی انقلابی است که هم روح حماسی در آن جریان دارد و هم عرفان و عشق رندانه در آن دیده می شود و همان طور که از نام این بخش پیداست، حاصل امید شاعر و اعتقاد او به ظهور منجی است. نام کتاب او، از پیوند شعر با مفاهیم آیینی و دینی حکایت دارد.

این سروده‌ها، سرشار از نماد و اسطوره هستند. شاعر برای نشان دادن استقامت مردان جنگی، از نمادهای قراردادی و اسطوره‌های مذهبی استفاده کرده و شعر را برای مخاطب با وجود داشتن نمادها، عینیت می‌بخشد. در «شب سروده‌ها» که سروده‌های پیش از انقلاب شاعر هستند، رمانتیسم وی اندوه‌گرا و مأیوس است. و در آن، بیشتر مضامین مرگ، ناامیدی، غم و اندوه و تنهایی وجود دارد و شعرهایی که بیان حدیث نفس وار دارند، دیده می‌شود.

در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» که سروده‌های عاشورایی شاعر است؛ بیشتر شعرها از ساختار روایت برخوردارند و رمانتیسم آن، تلفیقی از حماسه، عشق و عرفان است. این شعرها نمادها، اسطوره‌ها و طبیعت خاص خود را دارند و همه از صبر، پایداری، عشق و جاودانگی حکایت می‌کنند. مجموعه‌ی از «شرابه‌های روسری مادرم»، با مفاهیم دینی پیوند دارد و این بار زنی را که مادر دینی اوست و اسطوره‌ی خوبی و پاکی و پایداری و مظلومیت در تاریخ است، می‌ستاید و هرچند قبر او بی‌نشان است، در تمام لحظه‌های زندگی نشان از او می‌بیند و او را همواره در کنار خود حس می‌کند. حسینی، در شعرهای آخر خود به رمانتیسمی انتقادی روی می‌آورد و به بسیاری از مظاهر زندگی مدرن و عصر جدید انتقاد می‌ورزد. وی عشق، انسانیت، پاکی، سادگی و زندگی را در این عصر گمشده‌ی بشر می‌داند و از این که به جای ادامه‌ی راه شهدا و حفظ ارزش‌های آنها به بیراهه رفته‌ایم، افسوس می‌خورد.

۴- جلوه‌های رمانتیسم در شعر سید حسن حسینی

مهمترین زمینه‌های اندیشه‌های رمانتیکی در اشعار سید حسن حسینی عبارتند از: «۱- وطن دوستی؛ ۲- طبیعت‌گرایی؛ ۳- غم و تنهایی؛ ۴- آرمان‌گرایی؛ ۵- یادکرد مرگ؛ ۶- حدیث نفس و بازگشت به خود؛ ۷- عشق.»

لازم به یادآوری است که با توجه به رسالت اجتماعی و زمینه‌های اعتقادی حسینی، نوع نگاه و شیوه‌ی بیان رمانتیکی او نیز حال و هوای خاص خود را دارد. اصولاً شعر دفاع مقدس و پایداری هر چند که در زمینه‌ی تکنیک‌ها و فضای اصلی مضمونی با سایر اشعار اشتراکات

فراوانی دارد، اما در نوع نگاه و بیان درونمایه ها و هدف، شکل خاص خود را می یابد و از سایر اشعار جدا و متمایز می شود.

۴-۱- وطن دوستی

وطن دوستی و دفاع از آن یکی از ویژگی های مهم ادبیات رمانتیک است. زرین کوب در تحلیل اشعار سید اشرف الدین حسینی معروف به نسیم شمال، می گوید: «اولین ویژگی های رمانتیسیم را در به کار بردن مضامینی چون ... وطن ... در شاعران این دوره می بینیم.» اشرف الدین درباره ی وطن و جوانان از دست رفته ی آن می سراید:

گر دیده وطن غرقه ی اندوه و محن، وای
ای وای وطن وای
خیزید و روید از پی تابوت و کفن وای
ای وای وطن وای...

(زرین کوب، ۱۳۵۸: ۲۳)

وطن در اشعار حسینی با مفاهیم آزادی، امام، مفاهیم دینی و به خصوص حادثه ی عاشورا پیوند خورده است. سلاح او «شمشیر باستانی شرق» است؛ که از نیاکان خود به ارث برده و با آن به مبارزه با دشمنان سرزمین، دین و آیین خود می پردازد. زیباترین تصویر حسینی از وطن در شعر «فرود» دیده می شود. در این شعر، او هم گذشته ی وطن را در نظر دارد و هم حال آن را می بیند. او وطن را، پس از پیروزی انقلاب، صاحب قامتی بلند و سرافراز از عشق می یابد که هرچند او را مانند سربه داران به دار آویخته بوده اند، اما از دار خلاصی یافته و همچنان زنده و پاینده است:

« باز کن دیده ی خود را ای دل بنگرم انسانی و مطالعات فرهنگی
در زمانی که زمین را ز دو سو بر جگر،
تیر تاتار جهان خوار فرود آمده است
وطنم - قامت بالنده ی عشق -
سر به داری است که از دار فرود آمده است.»

(حسینی، ۱۳۸۵: ۷۳)

او همچنین در شعر بهاریه، عشق به وطن را با ایمان آمیخته و بهار باورها و به بارنشستن اعتقادات را بشارت می دهد:

«بهاران آمد و بگشود بریاران دری دیگر نظر بر خاک میهن کن که بینی منظری دیگر
بکش شمشیر ایمان را بزن راه پلیدان را به چنگال جهان خواران فروکن خنجری دیگر»
(همان: ۹)

۴-۲- طبیعت گرای

طبیعت گرای یکی از جلوه های بسیار مهم گرایش رمانتیک است. در شعر حسینی میل به طبیعت از دو چشم انداز قابل بررسی است: از یک سو اجزا و عناصر طبیعت از کوه و رود و دریا گرفته تا ابر و باران و درخت و جنگل و ... در آن به وفور دیده می شوند؛ و از سوی دیگر طبیعت با درون وی پیوند می خورد و شاعر دردهای روحی و ذهنیت خود را با بهره گیری از طبیعت به تصویر می کشد. نگاه حسینی به طبیعت یک نگاه درون گرایانه است و او طبیعت را نه آن گونه که هست، بلکه آن گونه که می خواهد، می بیند و مجسم می کند. از این روست که در شعر حسینی عناصر چهارگانه ی آب، باد، آتش و خاک با روح وی عجین می شوند. او با آفتاب و گل ها نسبتی نزدیک دارد و در رود و چشمه جاری می شود؛ از اقیانوس ها و دریاها دور دست عبور می کند و خود را به ساحل امن می رساند. عناصر پاک طبیعت، تقدس و پاکی شهدا را برای او تداعی می کنند و می گوید:

«این طرفه مردانی که خصم خوف و خوابند بر حلق ظلمت خنجر تیز شهابند
بر خاک می غلتند و گل می روید از خاک روح بهاران، شوکت باران و آبد
نیلوفر عشقند و با شوق شهادت گرد نهال سبز حق در پیچ و تابند
جوشنده رودی پاک از سرچشمه خلق سوی لقاءالله جاری با شتابند»

(همان : ۱۱)

در شعرهای عاشورایی حسینی طبیعت رنگ حماسی می گیرد. طبیعت در این شعرها منحصر به

صحرا، کویر، آفتاب سوزان و خیزران می شود. آب در حصارى مجبوس است و تقاضایی است که اجابت نمی گردد؛ هرچند گلوی تشنه ی تاریخ آن را فریاد بزند:

" تن رود / در برهوت / بستری بود / طیب سنتی ابر / نبض زمین را / به بازی تازه ای نمی گرفت / و تراخم تبخیر / چشم اقیانوس ها را / از تباهی می انباشت / کسی به تفسیر کویر / بر نمی خاست." (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶)

و باد، پیام شهادت حضرت ابوالفضل (ع) را این گونه به خیمه ها می رساند:

"و باد / بوی تو را با مشام خیمه گاه / در میان نهاد / و انتظار در بهت کودکانه حرم / طولانی شد / تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورده / و کنار درک تو / کوه از کمر شکست." (همان: ۳۸) و سرانجام نگرستن به عناصر طبیعت در قطعه پایانی این شعر که خود غوغایی به پا کرده، تماشایی است:

" هیچ کس باور نداشت / آن بادهای شرقی صالح / آن ابرهای مؤمن / آن آسمان مخلص را... / تا این که وحی باران / آن وحی پر تلاطم برکت زا / با جبرئیل صاعقه / نازل شد ... " (همان، ۷۸)

۴-۳- غم و تنهایی

غم و اندوه و پناه بردن به عزلت و تنهایی یکی از وجوه مشترک، اما در عین حال متمایز شعر دفاع مقدس و شعر رمانتیک است؛ چرا که در شعر رمانتیک، غم و اندوه، فردی و شخصی است و شاعر چنان در بند «من» شخصی خویش گرفتار شده، که هیچ چیز را خارج از چهارچوبه ی تنگ خود نمی تواند تصور کند. در شعر حسینی غم و اندوه معنایی متعالی می یابد. غم و اندوه وی به خاطر کسانی است که به جای حقیقت به مجاز دل خوش کرده اند و از کسانی می نالد که به جای دستیابی به حقیقت ناب، به چیزهای حقیر و فناپذیر و گاه غیر واقعی بسنده نموده اند و خود را از رسیدن به مراتب والای انسانیت محروم نموده اند؛ چنانکه می گوید: «این گریه آور است / در فصل جوشش صد چشمه زلال / جمعی ز تشنگان / به خاطره آب / دل خوش اند.» (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۴) یاد و خاطره ی شهیدان و جاماندن از قافله ی

انسان‌های متعالی‌ای که از همهٔ دنیای دون دل‌کنده بودند، او را به شکلی دیگر در غم و اندوه و تنهایی فرو می‌برد و می‌گوید: «هر صبح و شام / رو به قبلهٔ یاد تو / نماز افسوس می‌گزارم / وضو از اشک ناپیدای درد می‌گیرم / و زرد رو از شرم / بر سجادهٔ خسران / قامت می‌بندم... / در من کوهی به اندوه / فوران می‌کند / گدازه‌اش / می‌گدازدم / و من خاموش‌تر از همیشه در خویش / می‌جوشم.» (همان: ۶۰)

اوج غم و اندوه حسینی در شعر «قرن دو هزار به علاوه ی یک» خود را نشان می‌دهد. او در این شعر از قرنی سخن می‌گوید که موجی از غم و اندوه آدمی را فرا گرفته است. از عشق و محبت خبری نیست. از قرنی سخن می‌گوید که آدمی در آن تنهاست. گریه‌هایش حقیقی و از ته دل؛ و شادی‌ها و خنده‌هایش اشتباهی و ظاهری است.

«قرن توفان تباهی / قرن باران سیاهی / گریه‌های از ته دل / خنده‌های اشتباهی ... / قرن تنهایی و تلخی / فصل فقر و نامرادی / گورهای دسته جمعی / خانه‌های انفرادی / روزگار سست عهدی / قرن سخت افزار و سی دی / زایش ویروس وحشت / انتشار ناامیدی.» (همان: ۱۸۸)

این غم بر تمام فضای اشعار حسینی حاکم است؛ اما از آن جا که غمی فردی و شخصی و حقیرانه نیست، در مخاطب یأس ایجاد نمی‌کند؛ بلکه او را به تفکر وامی‌دارد تا شاید بتواند راهی به سوی تعالی فردی و اجتماعی یافته و به زندگی تفسیر و معنایی دیگر ببخشد.

۴-۴-۴- آرمان‌گرایی

در سنت شعر عرفانی فارسی همیشه بین واقعیت و حقیقت فاصله‌ای پرنشاندنی احساس می‌شده است. دنیای موجود، عرصه‌ی حقارت‌ها و شیطنت‌ها شمرده شده و شاعران در جستجوی دنیایی آرمانی بوده‌اند. حافظ به صراحت می‌سروده است که:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست / عالمی دیگر باید ساخت وز نو آدمی

(حافظ، ۱۳۷۱: ۳۵۶)

و مولانا داستان شیخ ما را به شکل‌های مختلف مطرح کرده است که :

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند یافت می نشود جسته‌ایم ما گفت آن که یافت می نشود آنم آرزوست
(مولوی، ۱۳۶۷: ۲۰۳)

حسینی شاعر انقلاب و عصر تلاش و مبارزه است. وی نیز مانند همه ی انقلابیون از یک سو آرمان گراست و برای رسیدن به دنیایی بهتر که برادری، برابری و ارزش‌های اسلامی بر آن حاکم باشد، تلاش می‌کند؛ و از سوی دیگر، معتقد است که باید ضمن حفظ میراث‌های ارزشمند گذشتگان، جامعه را از قیود دست و پاگیری که استعمار با تفسیر غلط از ملیت و زندگی، بر دست و پای آدمیان نهاده است، رها ساخت. شعر رمانتیک نزاعی بین «آرمان‌گرایی» و «واقع‌گرایی» است. لینکلتر در این باره می‌گوید: «در آرمان‌گرایی نه تنها نشانی از قطع رابطه با سنت فکری رسمیت یافته و باسابقه نمی‌بینیم؛ بلکه هم آرمان‌گرایی و هم واقع‌گرایی پیامد جانبی فرایند صنعتی شدن هستند... آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی با هم بسیار در تضادند، ولی در واقع دو شیوه ی فکری همزادند.» (لینکلتر، ۱۳۸۵: ۷) آرمان‌گرایی همیشه در روح انسان‌های انقلابی وجود داشته و آن‌ها همیشه به دنبال تغییر و تحوّل شرایط موجود بوده‌اند. در حقیقت، «رمانتیک‌های اجتماعی در جستجوی جهان پاکی و معصومیت، جهان عدالت و آزادی و برابری بودند... این آرمان‌گرایی در پرشورترین شکل خود در صدد یافتن یا پی افکندن جامعه ی آرمانی بود.» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۸۳) آرمان‌گرایی حسینی کاملاً جنبه ی دینی و مذهبی دارد. او در جستجوی جامعه ی بی‌طبقه ی توحیدی است. جامعه ی آرمانی وی زمانی تحقق می‌پذیرد که پرچم سالار کربلا - حضرت امام حسین (ع) - بر بام جهان در اهتزاز باشد. پرچم خونینی که در سایه ی آن عدالت برقرار شود و ظلم به پایان رسد؛ چنان که می‌گوید:

«ای یار ز خصم بی‌نیازت بینم ای غنچه ی حق همیشه بازت بینم
ای پرچم ارغوانی خون حسین بر بام جهان در اهتزازت بینم»

(حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۸)

یکی دیگر از جلوه‌های آرمان‌گرایی حسینی انتظار برای ظهور منجی عالم بشریت (عج) است. با ظهور حضرتش جهان آن چه باید بشود، خواهد شد:

" صبحی دگر می آید ای شب زنده داران از قلّه های پر غبار روزگاران
از بی کران سبز اقیانوس غیبت می آید او تا ساحل چشم انتظاران
آید به گوش از آسمان: این است مهدی خیزد خروش از تشنگان این است باران
(همان: ۳۹)

یکی دیگر از جلوه‌های آرمان‌گرایی حسینی در اندیشه‌های جهان وطنی او تجلی می‌یابد. او نه تنها آرزوی آبادی وطن خویش، بلکه آرزوی آن را دارد که روزی جهان به تمامی از زنجیر ستم آزاد شود و همه ی جهانیان طعم آزادی را بچشند و سراسر خاک آباد شود.

«روزی که جهان از ستم آزاد شود شاید که در آن روز دلم شاد شود
آبادی ایران - نه فقط - ایده ماست سرتاسر خاک باید آباد شود»
(همان: ۱۴۳)

به این ترتیب آرمان‌های شاعر با گسترش فراوان تمام دنیا را در برمی‌گیرد و برای انسان، مباحو انسان و فارغ از رنگ، نژاد، ملیت و ... دنیایی سراسر عدالت و انصافیت را آرزو می‌کند که در آن ارزش‌های الهی حاکم واقعی باشند.

۴-۵- یادکرد مرگ

در نگاه حسینی مرگ و یاد کرد آن با مرگ اندیشی شاعران احساسی و سطحی نگر رمانتیک تفاوت بنیادین دارد. مرگ اندیشی شاعران یأس و ناامیدی به معنای فرار از هستی و پایان یافتن تمام آرمان‌هاست. شفیع کدکنی در توصیف فضای یأس آلود دهه ی ۳۰ می‌گوید: «در نتیجه ی همین حس و مضمون مرگ و یأس، در کنار آن مضمون دیگری رشد کرد و آن پناه بردن به افیون و میخانه و مستی و گریز از هشیاری و ستیز و مبارزه است... اندک اندک مضامین و تم‌هایی از قبیل ستایش میخانه و می و پناه بردن به افیون رواج یافت و بسیاری از شاعران این نسل «در غبار گم شدند.» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۳: ۶۱) اما دکتر حسینی در پرتو باورهای قرآنی

خویش به این یقین رسیده است که: «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربهم یرزقون» (۱۶۹، آل عمران) او هر چند زخم خورده ی حماقت‌های قابیلیان است، اما به مرگ خود باور ندارد و علی رغم میل آن‌ها مرگ را زندگی می‌کند:

"با برادرهایم - از تبار قابیل - به شعر خواهم رفت / و بن چاه حماقت‌هاشان / مرگ را / زندگی خواهم کرد... " (همان: ۸۷).

او مرگ مردان مرد را نتیجه ی سنگین شدن و شیرینی شان می‌داند که به ناچار باید درخت زندگی را رها کنند: "بر درختان دگر / توت‌های شیرین / چه غرور آمیزند / باد تا می‌گذرد از برشان / عاشقانه به زمین می‌ریزند / مرگشان حاصل سنگینی و شیرین شدن است." (همان: ۱۰۲)

این تصویر از مرگ یقیناً تحت تأثیر مولانا است، آنجا که می‌گوید:

این جهان همچون درخت است ای کرام ما بر او چون میوه های نیم خام
سخت گیرد خام‌ها مر شاخ را چون که در خامی نشاید کاخ را
چون که پخت و گشت شیرین لب گزان سست گیرد شاخ‌ها را بعد از آن

(مثنوی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۷۲)

وی از مرگ تفسیری دیگر دارد. حسینی حضرت زهرا ی اطهر (س) را مادر خود می‌داند و در «شرابه‌های روسری مادرم» شهادت غریبانه ی او را که ایستاده و کبود می‌میرد، به شکل زیر به تصویر می‌کشد: «و تاریخ گل / عطر غریبی داشت / وقتی مادرم ایستاده بود / و بازهم پلک‌های کبودش شهید می‌شدند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

و دلاور مردان عرصه ی عاشورا که با لبخند به استقبال مرگ رفتند، الهام بخش حسینی برای ارائه ی تصویری دوست‌داشتنی و جاودانه از مرگ هستند: "دریا / کرانه تا کرانه / میزبان شماس / و آسمان / خون بهای لبخندی / که مرگ از لبانتان چید." (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۵)

۶-۴- حدیث نفس و بازگشت به خود

شاعر در عصر انقلاب و دفاع مقدس بیانی صریح دارد. اما هر چه از این فضا دورتر می‌شود، به تدریج بر درون‌گرایی خود می‌افزاید و با بازگشت به خود، شکل بیانی او حالت

حدیث نفس به خود می‌گیرد. روی آوردن به حدیث نفس به خاطر آن است که آنان که از نسل نور بوده‌اند، رفته‌اند و آنان که از نسل ظلمت‌اند، آن چنان گرفتار ظلمت و تیرگی شده‌اند که دیگر کسی حتی صدای او را نمی‌شنود تا چه رسد که آن‌ها را فهم کند؛ لذا شاعر مجبور می‌شود بگوید که :

«من نامه‌هایم را به بال باد خواهم بست / من شعرهایم را برای نسل دیگر پُست خواهم کرد / - جای نشانی - / پُشت پاکت می‌نویسم : / شهر ظلمت / کوچه ی بن بست.» (حسینی، ۱۳۸۵: ۹۰)

آن جا که حسینی با مادر خود - حضرت زهرا (س) - به زبان درد سخن می‌گوید، نیز به شکلی به حدیث نفس روی آورده و بازگشت به خود را متجلی می‌سازد: «به مادرم / که از نور معطر است / سلام می‌کنم امشب ... / به مادرم می‌گویم : / بی‌آسمانم / و زمین نیشم می‌زند / مادرم را می‌خوانم / در بی‌نشانی خاک / و دستش را می‌بوسم / دستی که / دو شاخه ی شاداب / در گلدان بهشت / به یادگار نهاد.» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۷)

۷-۴- عشق

عشق در نگاه حسینی جایگاه والای خود را باز می‌یابد. بر خلاف انسان غربی که مفهوم عشق را تا حد تمایلات نفسانی و حیوانی تنزل داده است، حسینی عشق را معنایی متعالی می‌بخشد. عشق موهبتی الهی است که در سراسر شعر وی جریان دارد. وی عشق را سرچشمه ی تمام انقلاب‌های زمینی و انقلاب‌های روحی می‌داند. عشق او، عشق حسینی است. حسینی خود و ایل و تبار خود را عاشقان همیشگی تاریخ می‌داند:

«از ازل ایل و تبارم همه عاشق بودند سخت دل بسته این ایل و تبارم، چه کنم»
(همان : ۱۹۹)

وی عشق خود را در عین حال ابدی و نتیجه ی بیداری روح می‌داند: "آه ای عالم ربّانی عشق / در کتابی ابدی / شرح منظومه ی بیداری ما را بنویس." (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۲)

وی از شهیدان عشق می‌سراید. از عاشقان کربلا که تشنه ی لیبک بودند، عاشقانی که عشق پاسخ تشنگی آن‌ها را داد و سیرایشان ساخت :

«بشتاب برادر دلیرم بشتاب
عبّاس تویی، تازه فراتی دریاب
چون بود شهید عشق در کرب و بلا
لب تشنه کربلا نه لب تشنه آب»

(حسینی ، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

حسینی در «مثنوی عاشقانه» خود، تصاویر عشق رندانه را به خدمت گرفته و سماعی عارفانه را در حالتی خلسه وار توصیف کرده است، او اولین شرط عشق را خموشی می‌داند و از یاران عاشق حکایت می‌کند که :

«بیا عاشقی را رعایت کنیم
ز آن‌ها که پیمانۀ «لا» زدند
بین خانقاه شهیدان عشق
دل عاشقی را به دریا زدند
چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
صف عارفان غزل خوان عشق
سر عارفان سر فشان دیدشان
دف عشق با دست خون می‌زنند
مگر سوخت جان من از فرط عشق
که از خون دل خرّقه بخشیدشان...
خموشی ست هان ! اولین شرط عشق»

(همان: ۴۰)

در شعر حسینی عشق و عرفان با هم آمیخته‌اند. در شعر او حلاج سر سلسله ی عارفان و عاشقان است. همه عاشقان از نسل اویند و برای رسیدن به جایگاه او تلاش می‌کنند. عاشقان سر به دارانی هستند که سرود انا الحق را سروده‌اند و به آسمان عروج کرده‌اند. منیت خود را در راه عشق از دست داده‌اند و لیاقت دریافت اسم اعظم را پیدا کرده‌اند :

«تا ذوالجنّاح نور، تا معراج راندند
تا ورد لب هاشان سرود سرخ «لا» شد
تا وعده گاه عشق، تا حلاج راندند
هر جا زمینی بود آن جا کربلا شد

«من» را به بند عشق در محبس گرفتند تا اسم اعظم را ز شیطان پس گرفتند»
(همان: ۳۸)

نتیجه

براساس آنچه گذشت، مشخص می‌شود که سید حسن حسینی شاعر توانای معاصر و سراینده‌ی اشعار نغز در زمینه‌ی ادبیات پایداری به صورت ناخودآگاه از اصول مکتب رمانتیک برای تأثیر گذاری بر مخاطبان و انتقال صریح و مؤثر اندیشه‌های خود بهره‌ی وافر برده است. رمانتیسم حاکم بر اشعار او، رمانتیسمی انقلابی است که هم روح حماسی در آن جریان دارد و هم سرشار از عرفان و عشق رندانه است. به علاوه وی در اواخر عمر به نوعی رمانتیسم انتقادی گرایش یافت و با انتقاد از مظاهر زندگی شبه مدرن، نشان داد که چگونه معصومیت و پاکی انسان فدای وسایل زندگی و تجمل و رفاه ظاهری حیات شده است. مهمترین زمینه‌های اندیشه‌های رمانتیکی در شعر سید حسن حسینی عبارتند از: وطن دوستی، طبیعت گرایی، غم و تنهایی، آرمان گرایی، یاد کرد مرگ، حدیث نفس و بازگشت به خود و سرانجام عشق. وی با آمیختن جهان بینی اسلامی و شیوه‌ی زیستن انقلابی خود به موضوعات و مفاهیم یاد شده، تعالی بخشید و آن‌ها را به گونه‌ای به کار برد که در ادب رمانتیکی، به خصوص ادب رمانتیک غربی بی سابقه است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الحاوی، ایلیا (۱۹۹۸) *الرمانسیه فی الشعرالغربی والعربی*. الطبعة الثامنة. بیروت: دارالثقافه.
- ۳- امیری خراسانی (۱۳۸۷) نامه ی پایداری. مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری. کرمان: اداره ی کل حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۴- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸) *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی*. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۵- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۴) *شکوه شقایق*. قم: انتشارات سماء قلم.
- ۶- جعفری جزئی، مسعود (۱۳۷۸) *سیر رمانتیسیم در اروپا*. تهران: نشر مرکز.
- ۷- _____ (۱۳۸۶) *سیر رمانتیسیم در ایران از مشروطه تا نیما*. تهران: نشر مرکز.
- ۸- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶) *شاعری در شعر*. تهران: نشر تکا.
- ۹- _____ (۱۳۸۷) *گنجشک و جبرئیل*. چاپ هشتم. تهران: نشرافق.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۵) *همصدا با حلق اسماعیل*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۱۱- داد، سیما (۱۳۷۱) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: انتشارات مروارید.
- ۱۲- زرین کوب، حمید (۱۳۵۸) *چشم انداز شعر نو فارسی*. تهران: انتشارات توس.
- ۱۳- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹) *نقد ادبی*. ۲ جلد. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۴) *مکتب های ادبی*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۵- شپرد، آن (۱۳۷۵) *مبانی فلسفی هنر*. ترجمه ی علی رامین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳) *ادوار شعر فارسی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۷- فورست، لیلیان (۱۳۷۵) *رمانتیسیم*. ترجمه ی مسعود جعفری جزئی. تهران: نشر مرکز.

- ۱۸- کافی، غلامرضا (۱۳۸۷) ویژگی های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان؛ نامه ی پایداری. به کوشش احمد امیری خراسانی. مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری. کرمان: اداره ی کل حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۱۹- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: نشر پالیزان.
- ۲۰- لینکلتر، آندرو (۱۳۸۵) آرمان گرایی و واقع گرایی. ترجمه ی لی لا سازگار. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- ۲۱- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۷) کلیات شمس. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۲- _____ (۱۳۶۳) مثنوی. تصحیح رینولد البین نیکلسون. تهران: انتشارات مولا.
- ۲۳- میرصادقی، میمنت (بی تا) شناخت مکتب های ادبی جهان. تهران: رمانتیسیم.
- ۲۴- نادمی، سیداحمد (۱۳۸۷) شمشیرباستانی شرق؛ یادنامه سید حسن حسینی. تهران: انتشارات هنر و رسانه.